

اقتصاد سالخورده‌گی

از: نشریه بیزینس ویک، سپتامبر ۱۹۹۴

آمریکاییها روز به روز پیرتر می‌شوند. هم‌اکنون، تقریباً ۷۵ میلیون آمریکایی که بین سالیهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴ دنیا آمدند روبه‌کهولت می‌روند. بزرگترها عمرشان درازتر شده است و به نظر می‌رسد شکلی عظیم رودروی این کشور قرارداد. پیری یعنی سپری کردن سالیهای از زندگی درخانه، سالمندان و دست‌بگیربان شدن با بیماریهای مزمن. شکسیر می‌گوید: "بدون دندان، بدون چشم، بدون قدرت چشایی و بدون همه چیز".

این تصویر با این حقیقت تیره‌تر می‌شود که آمریکاییهای ولخرج پس‌انداز کافی برای دوران بازنشستگی خود ندارد و در نتیجه استانداردهای زندگی‌شان به شدت نزول می‌کند. بودجه نظامین اجتماعی نیز کافی نیست چرا که تعداد بازنشستگان بسیار بیشتر از تعداد کارگران شاغل زیرپوشش این نظام است. از سوی دیگر، افزایش سرسام‌آور افراد مسن موجب شده تا هزینه‌های پزشکی از کنترل خارج شود تا جایی که به قول دانیل کالاهان مدیر "مرکز پژوهش زیست اخلاقی هاستینگز" هیچ‌چاره‌ای جز محدود کردن مراقبتهای پزشکی برای این افراد وجود نخواهد داشت. روی هم رفته، این روزها همه جا سخن از عدم توانایی تامین مالی این جمعیت عظیم کهنسال است.

اما دلایل محکمی وجود دارد که می‌توانیم پدیده سالخوردگی را به تأخیر بیندازیم یا ضعیف کنیم. تصویر آمریکای سالخورده، همانند اتومبیل پدربزرگها، به اقتصاد متفاوتی تعلق دارد. از سوی دیگر، یک رشته تحولات پراهمیت فراگیر در اقتصاد ایالات متحده آمریکا موجب می‌شود تا جمعیت سالخورده بیش از پیش به صورت یک ثروت اقتصادی درآید.

یکی از تحولات چشمگیر کنونی، استفاده شرکتها از تکنولوژیهای اطلاعاتی برای افزایش بهره‌وری است. انجام این کار، که منشاء اصلی ثروت اقتصادی به شمار می‌آید، باعث خواهد شد تا تامین مالی نظام تامین اجتماعی و هزینه مراقبتهای بهداشتی، که این روزها مثل خوره به جان این کشور افتاده، ساده‌تر صورت گیرد.



به تازگی در چند کشور پیشرفته صنعتی، سالخوردگی به صورت مشکلی رو در روی دولتها قرار گرفته که باری بر دوش اقتصاد آن کشورها به حساب می‌آید. ولی در آمریکا، این طرز فکر وجود ندارد و با برنامه ریزی درست این نیروها نه تنها راکد و در انزوا نیستند بلکه به صورت سرمایه کشور و نیروی مولد به شمار می‌آیند.

یکی دیگر از تحولات این است که بهره‌وری افراد در اقتصاد اطلاعاتی و خدماتی بسیار طولانی‌تر و بیشتر از اقتصاد کارخانه‌های صنایع سنگین است. شیوه زندگی سالمتر و پیشرفته‌های پزشکی نیز موجب تأخیر در از کارافتادگی سالم‌خوردگان می‌شود. دکتر سانفورد فینکل، سرپرست مرکز سالم‌خوردگی بوهلر در دانشگاه نورث وسترن می‌گوید: "افراد که زمانی در ۶۵ سالگی پیر تصور می‌شدند، امروزه هنوز از کارایی لازم برخوردارند".

وضع مالی و ثروت نسل بعد از جنگ جهانی دوم در مقایسه با وضع والدینشان در همان سن بسیار بهتر است. باریدن این افراد به سن سالم‌خوردگی، میلیاردها دلار وارد طرح‌های پس‌انداز بازنشستگی و صندوق‌های دوگانه می‌شود. چارلز لانگینگو کارشناس دانشگاه هویک فارست در این مورد می‌گوید: "آنها کسی که می‌گویند پرداخت این مبالغ وحشتناک است متوجه نیستند که نسل پیشگفته چندین منبع درآمد و بازنشستگی برای همسران خود کنار گذاشته‌اند".

بقینا، آمار و ارقام در این مورد قطعی نیست. امروزه، از هر آمریکایی سن یک، نفر ۶۵ به بالاست، در حالی که این نسبت در آغاز همین قرن به یک در ۲۵ می‌رسید. تا سال ۲۰۳۰، نسبت افراد سالم‌خوردمه جمعیت این کشور به یک در ۵ بالغ می‌شود. امید به زندگی در سال ۱۹۰۰ میلادی از آغاز تولد ۴۷ سال بود، در حالی که در سال ۱۹۹۳ به ۷۶ سال رسید. پیش‌بینی می‌شود میانگین امید به زندگی مردانی که به سن ۶۵ سالگی می‌رسند از ۸۱ سال کنونی به ۸۵ سال در سال ۲۰۴۰ میلادی افزایش یابد. همین ارقام برای زنان از ۸۵ به ۸۸ خواهد رسید. زود رشدترین بخش جمعیت همین به اصطلاح پیرترین پیرها هستند - یعنی آنهایی که نشان ۸۵ سال به بالاست.

البته باید پذیرفت که تمام پیرها در دوران بازنشستگی از سلامت فیزیکی و مالی مناسب برخوردار نیستند، بویژه کارگران کم‌سواد که در میدان رقابت جهانی و سرمایه‌گذاری با

تکنولوژی بالا جایگاهی ندارند. همچنین خانواده‌های روبه‌افزایشی که تنها یکی از والدین (مخصوصاً زن) در آن حضور دارند در میان قشر آسیب‌پذیر هستند. احتمال اینکه این دو گروه از مستمری بازنشستگی و منزل شخصی برخوردار باشند بسیار کم است. اگرچه در حدود ۲۰ گروه افراطی با برنامه‌های پرهزینه رفاهی فدرال برای سالم‌خوردگان به مخالفت برخاسته‌اند، ولی مشکل اقتصاد ناشی از شکاف نسل نیست بلکه بواسطه فاصله روبه‌افزایش فقیر و غنی می‌باشد.

نظم جدید

با این حال، نیروهای مثبت بسیار قوی وجود دارند، که اقتصاد پر قدرت نتیجه یکی از آنهاست. بازده اقتصاد آمریکا تا حد زیادی به خاطر انقلاب اطلاعاتی و بدون درگیر شدن با بحران‌های تورمی می‌تواند افزایش یابد. هم‌اکنون شرکتها برای کامپیوتر، نرم‌افزار و ادوات مخابراتی - یعنی زیربنای اقتصاد اطلاعاتی - مبالغ هنگفتی خرج می‌کنند. هزینه واقعی شرکتها برای تمام شکلهای تکنولوژی اطلاعاتی در طول ۳ سال گذشته تا ۷۰ درصد افزایش یافته است. استفان روچ کارشناس اقتصادی شرکت "مورگان استانلی اند کو" در این مورد می‌گوید: "حاصل این کار افزایش کارایی و کاهش قیمت‌هاست". در دو سال گذشته تولید ناخالص سرانه هر کارگر ۱۵ درصد در سال رشد داشته است. از سوی دیگر، نرخ رشد سالانه تورم مصرف‌کننده ۲/۸ است.

با بالارفتن استانداردهای زندگی بواسطه رشد قوی مشکلات بسیاری بوجود می‌آید. در یک چرخه خود تقویتی بهره‌وری بالا موجب افزایش درآمد واقعی و منافع شرکتی، تشویق سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و سایر می‌شود. برای مثال، اگر نرخ رشد سالانه بهره‌وری در از مدت ۱/۵ درصد باشد، تولید ناخالص داخلی به ازای هر فرد سالم‌خورد (به دلار ۱۹۸۷) از ۱۵۸۰۰۰ دلار در سال ۱۹۹۳ به ۱۹۴۰۰۰ دلار در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۶۶۰۰ دلار در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد

یافت. در مقابل، اگر نرخ رشد مزبور ۰/۷۵ درصد باشد (که بیشتر سالهای دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ چنین بوده) تولید ناخالص داخلی به ازای هر فرد سالم‌خورد در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۵۰ به ترتیب ۱۲ درصد و ۳۵ درصد کمتر خواهد شد. ریچارد سازمن رئیس بخش آمار مؤسسه ملی سالم‌خوردگی می‌گوید: "متغیر نرخ رشد اقتصاد بسیار مهم‌تر از سن جمعیت یک کشور است". در نتیجه، نرخ رشد بالای آمریکا باعث می‌شود تا هرگونه فشار ناشی از سالم‌خوردگی جمعیت این کشور، در مقایسه با سایر کشورهای مهم صنعتی مانند آلمان و ژاپن (که سرعت سالم‌خوردگی جمعیت‌هایشان بسیار سریعتر از آمریکا است و اقتصادشان نیز از انعطاف کمتری برخوردار است) بطور چشمگیری کاهش یابد.

تغییر در محیط کار باعث می‌شود تا افراد مدت بیشتری کار کنند و کمک اشخاص مسن‌تر به رشد اقتصادی افزون‌تر شود. آشکار است که اقتصاد اطلاعاتی موجب طولانی‌تر شدن زندگی شغلی خواهد شد. کار با کامپیوتر در مشاغل خدماتی مانند خدمات مالی و تشخیص پزشکی نسبت به مشاغل خط مونتاژ خودرو یا استخراج زغال سنگ به فعالیت فیزیکی بسیار کمتری نیاز دارد. ماریا رابوتهام، مدیر مراقبت‌های بهداشتی و بررسی کهنسالی در شرکت مشاوره‌ای "فیوچرگروپ اینک" می‌گوید: "ما متوجه علاقه افراد به مشاغل دوم و سوم نیز شده‌ایم. بسیاری از اشخاص بازنشسته در پی شغل جدیدی هستند".

البته برای برخی از افراد زندگی شغلی دراز مدت ناراحت‌کننده است. میانگین سن بازنشستگی از سالهای ۵۵-۱۹۵۰ تا سالهای ۹۰-۱۹۸۵ از ۶۷ سال به ۶۳ سال کاهش یافت. با این حال، هنوز برای مردم قابل قبول نیست که تقریباً یک سوم از عمرشان را در بازنشستگی بگذرانند. اکنون قرار شده است که سن بازنشستگی کنونی با تمام مزایا که ۶۵ سال است در سال ۲۰۲۲ میلادی به ۶۷ سال برسد. در نتیجه، وجود نیروی کار مسن شرکتها را مجبور خواهد کرد تا واحدهای خود را به نحوی سازماندهی کنند که ضمن حفظ فرصتهای تشویقی

برای کارکنان جوان از دانش کارکنان قدیمی نیز بهره‌مند شوند. بتی فریدمن نویسنده کتابهای "عقاید عرفانی زنان" در سال ۱۹۶۳ و "چشمه" پیری" در سال ۱۹۹۳ می‌گوید: "درست همان طوره که اقتصاد نسبت به نیروی زنان و کار آنها نابینا بود، این نظریه که افراد بالای ۵۰ سال نیز بسوی کهولت و سالخوردگی می‌روند جز نادیده گرفتن توانائیهای سومین بخش از زندگی چیز دیگری نیست."

آغازی نو

کارل رووان ۸۵ ساله پس از ۵۱ سال مالکیت و اداره رستوران خود در آوریل سال ۱۹۹۳ تمام آن را فروخت. تمام کسانی که رووان را می‌شناختند انتظار داشتند که او دوران بازنشستگی راحتی را آغاز کند. ولی باکمال تعجب وی مسئولیت خوشامدگویی به مشتریان فروشگاه زنجیره‌ای وال مارت را که از طرف کنت پارسونز مدیر فروشگاه پیشنهاد شده بود پذیرفت. رووان اکنون هفته‌ای ۳۰ ساعت کار می‌کند و در ازای هر ساعت ۵/۴۵ دلار حقوق می‌گیرد. در عین حال از هر فیش حقوقی خود مبلغ ۵۰ دلار را برای خرید سهام وال مارت کنار می‌گذارد. وی می‌گوید: "هیجان انگیز است. زمانی که رستورانم را فروختم گفتم که این پایان کارل رووان نیست بلکه آغازی نو است." پارسونز میل دارد که متوسط سن کارکنانش ۴۰ سال باشد. وی می‌گوید: "افرادی با این ویژگی با ثبات‌تر و راضی‌تر هستند."

با این حال، بسیاری از اقتصاددانان و طراحان مالی بر این باورند که این رویای آمریکایی‌حبابی بیش نیست. آنها می‌گویند که آمریکا کاتبها سالهاست دیوانه‌وار مصرف‌کننده بوده‌اند، و با حرص و ولع از کارتهای اعتباری برای خرید جدیدترین مدل لوازم بهره‌برداری کرده‌اند. نرخ پس‌انداز شخصی از میانگین ۷ درصد در دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰ به ۴/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ کاهش یافت. براساس برآورد شرکت مریل لینچ میزان پس‌انداز خانواده‌هایی که اعضای شان از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴ دنیا آمده

بودند تنها یک سوم مقداری بود که برای بازنشستگی مطمئن درس ۶۵ سالگی لازم بود. جان استفنس معاون شرکت می‌گوید: "ما فکر می‌کنیم که مشکل بسیار بزرگی وجود دارد و این مشکل وخیمتر نیز خواهد شد."

باتمام اینها، نرخ پس‌اندازهای شخصی نمی‌تواند به خوبی رفاه مالی این کشور را نشان دهد. هم‌اینک، نسل پس از جنگ جهانی دوم به پردرآمدترین سالهای زندگی خود رسیدمانند، یعنی زمانی که مردم به طور سنتی میسران پس‌انداز خود را افزایش می‌دهند. پس‌انداز این نسل در مقایسه با پس‌انداز والدینشان به



نحو چشمگیری بالاست.

ولی آیا افراد بازنشسته می‌توانند استانداردهای زندگی پیش از بازنشستگی خود را حفظ کنند؟ شواهد و مدارک موجود بحث‌انگیز است. پاسخ به این پرسش تاحدی به این موضوع بستگی دارد که آیا اشخاص بازنشسته تمایل دارند خانه خود را برای تامین دوران بازنشستگی بفروشند. برای مثال، در محاسبات شرکت مریل لینچ-مینی‌پر اینکه میزان پس‌انداز نسل پس از جنگ جهانی دوم برای حفظ سطح زندگی در دوران بازنشستگی تنها یک سوم مقدار مورد نیاز است- برای منزل شخصی به عنوان نوعی پس‌انداز اهمیت چندانی

قائل نشده‌اند. دلیل آن نیز این است که امروزه افراد سالخورده غالباً "تمایل به فروش منزل خود ندارند و ترجیح می‌دهند که در مرحله‌های خود بمانند. ولی براساس بررسی موسسه پژوهشی "ایمپلویی بنفیتس" اگر منزل مسکونی به عنوان ثروت شخصی در محاسبه منظور شود، در آن صورت نرخ پس‌انداز نسل مزبور ۸۴ درصد میزانی خواهد بود که برای حفظ استانداردهای زندگی اکنون لازم است.

چشم‌انداز مستمیری نیز نگران‌کننده است. در دهه ۱۹۸۰، یعنی عصر اخراجها و ادغامها، شرکتها طرحهای سنتی مزایای ثابت خود را قطع کردند- براساس این طرحها، پرداختها بر مبنای فرمول حقوق و سنوات خدمت صورت می‌گرفت. بدین ترتیب، شرکتها بسوی برنامه‌های پس‌انداز مانند طرح ۴۰۱ روی آوردند- در این طرح، کارکنان راه حل سرمایه‌گذاری را انتخاب می‌کنند و تمام ریسک آن را نیز می‌پذیرند. البته افراد جوان احتمالاً نمی‌توانند از این طرح پس‌انداز بازنشستگی بهره‌ای کافی ببرند. و در نتیجه، راه‌حلهای ضعیف یا بیش از حد محافظه کارانه، کارگرانی که خودشان در مورد سرمایه‌گذاری تصمیم می‌گیرند می‌توانند استانداردهای زندگی دوران بازنشستگی را کاهش دهد.

اما، علائم امیدوارکننده هستند. در طول دهه ۱۹۸۰ برای مدتی نرخهای مستمیری و مشارکت کاهش یافت. ولی براساس گزارش مؤسسه پژوهشی ایمپلویی بنفیتس، از سال ۱۹۸۸ نسبت کارگران مشمول طرح مستمیری، نرخ مشارکت کارگران و تعداد کارگران استخدام شده در جایی که چنین طرحی اجرا می‌شد افزایش یافته است، حتی افراد جوانتر نیز وضعیتشان بهتر خواهد شد. کارگران جوانتر غالباً "شغل خود را عوض می‌کنند و بسیاری از آنها نمی‌توانند از طرح سنتی مزایای ثابت بهره‌مند شوند. ولی در مقابل، پولی که برای طرح کمک ثابت کنار گذاشته می‌شود "قابل حمل" است و پس‌انداز بازنشستگی می‌تواند حتی پس از جابجایی کارگران افزایش یابد.

از طرف دیگر، میزان پس انداز بازنشستگی روبه افزایش است. براساس گزارش شرکت مشاوره‌ای "اکسس ریسرچ" کمک به طرح‌های پس انداز ۴۰۱ ک هم اینک به حدود ۴۹۰ میلیارد دلار رسیده است که تا اوایل سال ۱۹۹۹ به یک هزار میلیارد دلار خواهد رسید. با توجه به کسر مبلغی از حقوق افراد برای مشارکت در طرح ۴۰۱ ک، میانگین افراد واجد شرایطی که در این طرح شرکت دارند به ۷۴ درصد می‌رسد. مقداری از پرداختها توسط کارفرمایان صورت می‌گیرد، که بیش از نیمی از آنها در حدود ۵۰ درصد از سپرده طرح ۴۰۱ ک را تقبل می‌کنند. اگرچه در میان دانشگاهیان مخالفت‌های شدیدی ابراز شده است، ولی اقتصاددانانی چون جمیز پانزبا آرمو، سسه تکنولوژی ماساچوست، استیون ونتی از کالج دارت ماوث، و دیوید وایز از مؤسسه هورر معتقدند که این کمک‌های بدون مالیات موجب کاهش پس انداز سایر نقاط نخواهد شد. ونتی می‌گوید: "کار ما نشان می‌دهد که پس انداز تسلیهای بازنشسته آینده بیشتر از بازنشستگان گذشته خواهد بود".

واقعیت این است که جمعیت میانسال به امید دریافت درآمد بیشتر در هنگام کهنولت سعی می‌کند پول بیشتری در طرح‌های مالی دراز مدت پس انداز کند. دانالد مورگان کارشناس ارشد اقتصادی فدرال ریزرو بانک کانتاز سیتی می‌گوید: "اکنون سهم دارائیهای مالی خانوارها که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در سهام و اوراق قرضه نگهداری می‌شود به ۷۵ درصد می‌رسد که بالاترین میزان از سال ۱۹۶۱ است".

به گفته اقتصاد دانان حتی افراد سالخورده نیز به خوبی پس انداز می‌کنند. فرانسیس جانستون ۸۱ ساله که در سال ۱۹۸۲ از یک شرکت انتشاراتی بازنشسته شد با پس انداز بهره‌اوراق قرضه و گارتهای اعتباری خود سالانه ۱۰۰۰ دلار پس انداز می‌کند. در پایان هر سال، آنچه که از مستمری یا حقوق تأمین اجتماعی می‌ماند برای خرید کارت اعتباری یا مقرری سالانه‌اش کنار می‌گذارد.

انتظار می‌رود که وجود ارثیه موجب تشویق پس انداز در دهه‌های آینده شود. نسل پس از جنگ جهانی دوم در حدود ۱۰/۴ تریلیون دلار را از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۴۰ به ارث خواهد برد. که برای هر نفر تقریباً ۹۰۰۰۰ دلار خواهد شد. برای مثال، به لورا وستون ۳۶ ساله، مدیر صحنه تئاتر ساکرامنتو، ۱۰۰۰۰۰ دلار ارث رسیده است. امروزه لورا با کمک به حساب بازنشستگی انفرادی، سرمایه‌گذاری در صندوقهای دوجانبه، و خرج نکردن از ارثیه‌اش، برای آینده خود پس انداز می‌کند.

ایجاد موازنه

البته همه نمی‌دانند برای دوران بازنشستگی خود پول کنار بگذارند یا در آن دوران راحت زندگی کنند. ارثیه‌ها به نحو چشمگیری بسوی افراد ثروتمند منحرف می‌شود. بسیاری از خانواده‌ها زیر فشار هزینه‌های آموزش فرزندان و مراقبت از والدین پیر خود قرار خواهند داشت. آزار دهندتر اینکه، متوسط درآمد خانوارهایی که سن سرپرست آنها بین ۲۵ تا ۳۴ سال و مدرک تحصیلی‌شان کمتر از دیپلم است از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۹ ۱۲ درصد کاهش داشته است. این خانوارها نیز ثروت اندکی دارند. دایان سونک، اقتصاددان "فرست شیکاگو کورپ"، می‌گوید: "گروهی از مردم نیز وجود دارند که تنها با حقوق خود زندگی می‌کنند".

تأمین اجتماعی مقداری از فشار اقتصادی را بر روی افرادی که منابع درآمدشان برای دوران بازنشستگی کفایت نمی‌کند کاهش می‌دهد. در سال ۱۹۹۴، تأمین اجتماعی جانشین تقریباً ۴۲/۵ درصد از متوسط درآمد افرادی شد که در سن ۶۵ سالگی بازنشسته شده بودند، ولی این نسبت جایگزین برای افراد کم درآمد در حدود ۵۷/۵ درصد بود.

حقیقت این است که این مسئله در سال ۲۰۱۳ بزرگ خواهد شد. یعنی زمانی که نظام تأمین اجتماعی بیش از درآمدهای مالیاتی دریافتی‌اش پول پرداخت می‌کند، اگر چه ممکن است زدوبند

با تأمین اجتماعی مانند یک دینامیت سیاسی باشد، ولی بسیاری از اقتصاددانان هم عقیده‌اند که تأمین مالی مشکلات این نظام را می‌توان با ترکیبی از افزایش مالیات‌بندی مرحله‌ای و کاهش مزایا، مانند کاهش ضربه هزینه زندگی و افزایش سن بازنشستگی به ۶۹ یا حتی ۷۰ سال، حل کرد. ولی بروس اسکول نایب رئیس شرکت بیمه "نیویورک لایف" معتقد است که هیچ اجباری وجود ندارد تا قوانین بی رحمانه وضع شود. بلکه افزایش بهره‌وری موجب کاهش فشار روی نظام تأمین اجتماعی خواهد شد.

امروزه، موج عظیم مهاجران نیز کمک بزرگی برای جبران پرداختهای تأمین اجتماعی است. در ۱۰ سال گذشته، سالانه بیش از یک میلیون تازه وارد قدم به آمریکا گذاشته‌اند. این افراد معمولاً "در آغاز زندگی شغلی خود وارد بازار این کشور می‌شوند و با کار خوددهها سال مالیات می‌پردازند. ورود مهاجران موجب جوان ماندن نیروی کار می‌شود و همین امر عامل مهمی برای جبران اثر سالخوردگی خواهد بود.

از سوی دیگر، پیشرفتهای پزشکی باعث می‌شود تا افراد سالخورده زندگی فعالی داشته باشند. امروزه، آمریکاییها کمتر سیگار می‌کشند، بیشتر ورزش می‌کنند و افزونتر از والدین خود تحصیل می‌کنند. دنیس جانینگان مدیر مرکز سالخوردگی دانشگاه کلرادو می‌گوید: آثار اقتصادی بهتر زیستن بسیار مثبت است. و این امر برخلاف ۲۰ سال قبل است که مردم پیش از مرگ زیر فشارهای مداوم قرار داشتند. ماریسا روبرتو نام از فیوچرز گروپ در همین مورد می‌گوید: "در الگوهای رفتاری تغییراتی بوجود آمده است که مردم می‌توانند از لحاظ اقتصادی برای مدت درازتری مولد باشند".

با این حال، در کشوری که بزرگترین بودجه پزشکی جهان صنعتی را دارد آیا افراد سالخورده باعث نخواهند شد تا تورم ناشی از مراقبتهای بهداشتی به عرش برسد؟ هم‌اینک سالخوردگان بیش از یک سوم از این مراقبت را در آمریکا مصرف می‌کنند و این نسبت به خاطر ورود میانسالان کنونی به دوره سالخوردگی در آینده

افزودن نیز خواهد شد، چراکه پیرها به مراقبت پزشکی بیشتری نیاز دارند. ریچارد لام فرماندار پیشین کلرادو و سرپرست کنونی مرکز "مسائل موقتی و سیاست عمومی" در دانشگاه دنور می‌گوید: "بایک فرد سالخورده ۸۷ ساله که دچار جنون شده چه خواهید کرد؟".

به این پرسش نمی‌توان به آسانی پاسخ گفت. به بیماریهای فیزیکی مانند کم‌شنوایی و بوکسی استخوان با بالارفتن سن افزایش می‌یابد. و هر چقدر مردم به سالهای ۸۰ خود نزدیک‌تر می‌شوند بروز بیماریهای فکری مانند فراموشی و جنون پیری موجب افزایش هزینه‌های مراقبت از سالمندان می‌شود. ولی این بدان معنی نیست که جمعیت سالخورده علت اصلی تورم مراقبت‌های بهداشتی است و باینکه جیره‌بندی مراقبت بهداشتی برای سالخوردگان تنها راه کنترل هزینه‌ها است.

برای مثال، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که ایالات متحده آمریکا بیش از اندازه برای برنامه‌های بهبود درمان پزشکی سالخوردگان خرج می‌کند. با این حال، با تمام صرفه‌جویی‌هایی که در سال ۱۹۸۸ در این مورد صورت گرفت تنها ۳/۳ درصد از مجموع هزینه‌های مراقبت بهداشتی و ۱/۶ درصد از هزینه‌های مراقبت پزشکی صرفه‌جویی شد. به عبارت دیگر، از بودجه پزشکی ۵۴۶ میلیارد دلاری آن سال تنها ۱۸/۱ میلیارد دلار و ۵/۴ میلیارد دلار به ترتیب در دو مورد پیشگفته صرفه‌جویی شده است. دانیل مندلسون، پژوهشگر شرکت مشاوره‌ای "لوین وی. آ. آی" می‌گوید: "هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی از کنترل خارج شده است و سالخوردگان بیشترین مصرف‌کننده نهایی مراقبت‌های پزشکی هستند، ولی بیان این موضوع که افزایش هزینه‌ها به سالخوردگی مربوط است درست نیست".

در واقع، نخستین علتی که موجب افزایش هزینه‌های بهداشتی در آمریکا می‌شود تکنولوژی است. دکتر ویلیام شوراتز، استاد پزشکی دانشگاه ساثرن کالیفرنیا، می‌گوید: "بیشتر رشد مخارج مراقبت‌های بهداشتی (که به‌عنوان پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی ناشی می‌شود) نه تنها برای سالمندان بلکه برای تمام جمعیت

خرج می‌شود.

واقعیت این است که شهروندان سالخورده، به جای اینکه باری بردوش کشور تحمیل کنند ممکن است مایه برکت اقتصاد فردا باشند. به یقین باید گفت خدمات مالی از هرنوع که باشد بازار رشد محسوب می‌شود. آریک پیافرا از مرکز علوم بهداشتی دانشگاه فلوریدا معتقد است که بازار سالخوردگان تنها عصاره و ثوابت بهداشتی و خانه سالمندان نیست، بلکه این افراد می‌توانند در بازار تأمین مسکن، پوشاک، سیاحت و مشاوره سرمایه‌گذاری عرض‌اندام کنند.

تا همین اواخر، خانه سالمندان یکی از چند راه حل برای سالخوردگانی بود که به سختی می‌توانستند زندگی شخصی خود را اداره کنند. با این حال در چند دهه گذشته این نوع مراکز از محبوبیت چشمگیری برخوردار شده‌اند. در حال حاضر، هزینه بسیاری از آنها سرسام‌آور است، اگر ممکن است رقابت باعث کاهش قیمت‌ها شود. برای مثال "هریتج کلاب" در دنور هم آپارتمان مستقل دارد و هم تأسیسات پرستاری. جین کارسون ۸۸ ساله در حدود ۳ سال پیش به یکی از این آپارتمان‌های ۲ خوابه نقل‌مکان کرد. در حال حاضر، وی صبحانه و ناهار خود را آماده می‌کند و آن را در سالن غذاخوری که در طبقه پایین قرار دارد صرف می‌کند. جین برای حفظ سلامتی‌اش کار می‌کند و در کلاسهای ورزش و کم کردن وزن شرکت می‌کند. او می‌گوید: "حالم از ۱۰ سال پیش بسیار بهتر است. عضلات و ماهیچه‌هایم که سالها از کار افتاده بودند دوباره فعال شده‌اند".

دستهای یاری دهنده

دانشگاهها نیز شهروندان سالخورده را به صورت جامعی مفید در بازار می‌دانند. اکوارد کالج به تازگی کارشناسان بازنشسته را در کنار دانشجویان دوره لیسانس به عنوان معلم و شرکت‌کننده می‌نشاند. آرتور پترسون مدیر این برنامه می‌گوید: "برای افراد مسن بسیار

مهم است که ارزشها و تجربه‌ها را، به امید اینکه برای مسئولان آینده مفید باشد، منتقل کنند".

به یقین باید گفت که موج سالخوردگی تغییرات بسیاری را موجب می‌شود. سالخوردگی آمریکا داستان ظهور قریب‌الوقوع باحتی دور از دسترس مدینه فاضله نیست، بلکه بسیاری از نیروهای اصلی مثبت نیز تاثیر دارند. این ملت از دهه ۱۹۶۰ نسبت به هر زمان دیگری اکنون مولدتر هستند و سالخوردگان این کشور بیش از پیش کاری و مولد شده‌اند.

